

# جغرافیای تاریخی ری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
پرتال جامع علوم انسانی

از

حسین قره چانلو

(دکتر در فرهنگ و تمدن اسلامی)



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی

## جغرافیای تاریخی ری

ری سرزمینی است کهن و قدمتش بنا بر قرائن و شواهد موجود بعدود قرنهای هفتم و هشتم پیش از میلاد میرسد «ری» در کتاب و ندیداد که از کتب مقدسه زرتشتیان است، چنین آمده که: دوازدهمین کشور بانز هت که من «اهورامزدا» آفریدم «رغه» با سه نژاد است، اهریمن پسر مرگ بر ضد آن آفت بی اعتمادی پدید آورد.<sup>۱</sup> و در کتاب مجمل التواریخ هم مذکور است که منوچهر بدین جایگاه شهری از نو بنانهاد ... و آنرا «ماه جان» نام کرد.<sup>۲</sup>

رضا قلیخان هدایت در ذیل ملحقات ناصری می نویسد: «برحقیقت جویان پوشیده مباد که «ری» و «راز» دو برادر بودند، به موافقت یکدیگر شهری بنا نمودند شهر را بنام یکی «ری» خواندند و اهالی شهر را بنام دیگری رازی گفتند، تا هیچکدام بی نام نمانند.»<sup>۳</sup> ری در تقسیمات پیش از اسلام جزء ماد بزرگ بوده،

۱- ريك به و نديداد ، ترجمه سيد محمدعلي حسني داعي الاسلام ص ۱۲

و نیز ريك به و نديداد دارمستتر ترجمه دكتر موسی جوان ص ۶۹ .

۲- ريك به مجمل التواریخ ص ۴۳ .

۳- ملحقات روضه الصفاي ناصري ج ۹ ص ۱۹۶ .

و ماد راگیان «یا ماد رازی» نامیده میشده است. <sup>۴</sup> ری به هنگام سلطنت شاهان اشکانی اقامتگاه بهاری آنان بوده بدان «ارشکیه» میگفته‌اند، <sup>۵</sup> حسین کریمان هم واژه‌های مختلفی را که در کتب یونانی و غیر یونانی به‌ری نسبت داده شده چنین آورده: در کتاب توبیت این واژه به صورت «راکس» <sup>۶</sup> و در کتاب ژودیت «راگو» <sup>۷</sup> و در اوستا «رغه» <sup>۸</sup> و در کتیبه بیستون «رگا» <sup>۹</sup> و در یونانی «راگو، راگا، راکیا» <sup>۱۰</sup> و در سریانی «ری-دورا» <sup>۱۱</sup> و در زبان ارمنی «ری» <sup>۱۲</sup> و در پهلوی «ری-رگ-راگا» <sup>۱۳</sup> ضبط شده است. <sup>۱۴</sup> ضمناً کریمان می‌نویسد که کلمه «راز» باید شکل علمی واژه‌های «رگا» و «رغه» و «راگو» یا «راگس» که آنرا «راژس» و «راجس» و «راگز» خوانده‌اند، باشد. <sup>۱۵</sup>

پیرنیا هم می‌نویسد: در ماد شهر قدیم رگ‌یاری را «اورپس- Europs» می‌نامیدند، چون بمعهد سلوکیان زلزله شدیدی شهرری را ویران کرد، و سلوکوس اول معروف به نیکاتر (۲۸۰-۳۱۲ پیش از میلاد) خرابیها را مرمت و شهر را بار دیگر آباد گردانید.

۴- رگ به ایران باستان، پیرنیا ج ۳ ص ۲۲۱۷ و ۲۶۵۱.

۵- همان کتاب ج ۹ ص ۲۶۴۵ و نیز رگ به دائرةالمعارف الاسلامیه

بزبان انگلیسی ج ۳ ص ۱۱۰۶ و بزبان فرانسه ج ۳ ص ۱۱۸۳.

6— Rages

7— Ragau

8— Ragha

9— Raga

10— Rhageia - Rhaga - Rhagoe

11— Rai - Dura

12— Rê

13— Râk - Rag - Rai

۱۴- رگ به ری باستان از انتشارات انجمن آثار ملی ج ۱ ص ۶۷ و نیز رگ

به دائرةالمعارف الاسلامیه ج ۱۰ صفحات ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷ تا ۲۹۲.

۱۵- همان کتاب ج ۱ ص ۷۳.

و نام موطن خویش «اورپس» را بر آن نهاد. <sup>۱۶</sup> این نام بعدها به «ارشکیه» یا «ارساکیا» تبدیل گردید. <sup>۱۷</sup>

حال می پردازیم به نظریاتیکه مورخین و جغرافی نویسان قرون وسطای اسلامی درباره واژه ری اظهار داشته اند ، ابن فقیه از قول ابن کلبی نقل می کند : «... در آغاز در جای شهر ری بوستانی بوده است روزی دختر روی بن بیلان به آن بوستان شد ، تذروی بدید که انجیر همی خورد ، دختر گفت بورانجیر «یعنی تذروانجیر میخورد» بدین گونه نام اصلی شهر ری بورانجیر است که مردم ری آن را تغییر داده و بهریر و سپس ری گفتند. <sup>۱۸</sup>

طبری و دینوری و چند تن دیگر از مورخین و جغرافی نویسان اسلامی این شهر را «رام فیروز» ضبط کرده اند. <sup>۱۹</sup>  
مؤلف نخبة الدهر نیز علاوه بر اطلاق «رام فیروز» بر ری آنرا «ری اردشیر» هم نامیده است. <sup>۲۰</sup>

در اواسط قرن دوم هجری (۱۴ شاهنشاهی) که محمدیه بدست مهدی عباسی در ری ساخته شد ، این محل را گاهی محمدیه و زمانی هاشمیه می نامیدند. شهر محمدیه مهمترین ضرابخانه ایالت ری بود و نام آن روی بسیاری از سکه های دوره خلفای عباسی دیده میشود. <sup>۲۱</sup>

۱۶- رك به ایران باستان ج ۸ ص ۲۱۱۵ وری باستان، کریمان ری باستان از انتشارات انجمن آثار ملی ج ۲ ص ۱۰۱.

۱۷- رك به تطبيق لغات جغرافیائی در ذیل کتاب در رالنجان ج ۳ ص ۲۹.

۱۸- مختصر البلدان ص ۱۰۵.

۱۹- رك به تاریخ الرسل والملوك ج ۲ و ۱ ص ۸۳، اخبار الطوال ص ۶۳

و نیز رك به تاریخ بلعمی ص ۹۵۴ و تاریخ غرر السیر عالی ص ۵۷۸ .

۲۰- رك به نخبة الدهر شمس الدین الدمشقی ص ۱۸۴ .

۲۱- لسترنج ص ۲۲۱ .

بالاخره از قرن هفتم هجری ببعده (۱۹ شاهنشاهی ببعده) نیز تعدادی القاب و عناوین مختلف بری نسبت داده شد. چنانکه حمدالله مستوفی میگوید: «آنرا ام‌البلاد ایران و بسبب قدمتش شیخ البلاد نامیده‌اند»<sup>۲۲</sup>

شاردن سیاح دوره صفوی علاوه بر تأیید القاب و عناوینی که توسط حمدالله مستوفی گفته شده میگوید: بآن باب‌الابواب، و سوق‌العالم، و بلدة‌البلادهم می‌گفته‌اند.<sup>۲۳</sup>

### تاریخچه ری :

در باره «فتح ری» بلاذری میگوید: «عباس بن هشام کلبی، از پدرش واو از ابومخنف روایت‌کننده که: عمر بن خطاب، دو ماه پس از جنگ نهاوند به عمار بن یاسر، عامل خویش در کوفه نامه نوشت که: عروة بن زید الخیل الطائی را با هشت هزار مرد جنگی به ری و دستبندی فرست». <sup>۲۴</sup> شهر ری که تلفظ صحیح‌تر آن «ری» بتشدید یاء می‌باشد در گوشه خاوری ایالت جبال واقع بوده است. <sup>۲۵</sup> این شهر باستانی بنا بقیاده عده‌ای از مورخین پیش از اسلام بنا بعللی در زمین فرو رفته است و این «ارازی» یا «ری» بردوازده فرسنگی ری کنونی بر سر راه خوار بوده است، و بناهای آن هنوز هست. <sup>۲۶</sup> و ضمناً شهر جدید را ابن فقیه بنقل از محمد بن اسحاق چنین توصیف میکند: «ری عروس جهان و شاهراه

۲۲- نزهة القلوب، ص ۵۷.

۲۳- سیاحتنامه شاردن ج ۳ ص ۵۵.

۲۴- فتوح البلدان ص ۳۲۵.

۲۵- رك به لسترنج ص ۲۳۱.

۲۶- رك به مختصر البلدان ابن فقیه ص ۱۰۶، و نیز رك برای اطلاع بیشتر

به عجائب المخلوقات احمد طوسی ص ۲۲۶.

دنیا و میانجی خراسان و گرگان و عراقست»<sup>۲۷</sup> در اواسط قرن دوم هجری مهدی عباسی آن بخش از ری را... که در نیمه شرقی شهر و در جنوب کوه بی بی شهر بانو واقع بود. پی افکند، و برگرد آن خندق حفر کرد، و مسجد جامعی در آنجا بدست عمار بن ابی الخسیب بنانهاد... و قلعتی جهت شهر احداث کرد که خندق دیگر آنرا در میان داشت، این مجموع را محمدیه نامید و مردم ری آن بخش از شهر را مدینه یا «شهرستان» و قلعت را کمندژ خواندند.<sup>۲۸</sup>

در قرن سوم ابن خردادبه ری را جزء بلاد پهلویین نامبرده است.<sup>۲۹</sup> در قرن چهارم هم ابن حوقل و مقدسی گفته اند که اکثر نقاط شهر ویران است و تجارت آن به حومه شهر قدیم انتقال یافته است.<sup>۳۰</sup> ری در قرن چهارم از بزرگترین مراکز چهارگانه ایالت جبال بوده است و جغرافی نویسان و مورخین این قرن معتقدند که «ری بر حدود ولایت دیلمان است هم از جبال بود و هم از خراسان و در مشرق شهری بزرگتر و آبادان تر از ری نیست».<sup>۳۱</sup> ابودلف سیاح معروف قرن چهارم که ری را در اواخر این قرن دیده است می نویسد: «... زمین ری به کوههای «بنی قارن» و «دنبانند» و کوههای دیلم و طبرستان متصل است، و ضمناً میگوید: در وسطی شهر عجیبی با دروازه های آهنین و باروی عظیم وجود دارد این شهر يك مسجد جامع دارد و نیز در وسط آن کوه بلندی است که بر فراز

۲۷- مختصر البلدان ص ۱۰۷ .

۲۸- ری باستان ج ۱ ص ۸۱ .

۲۹- رك به مسالك ممالك ص ۵۷ .

۳۰- لسترنج ص ۲۳۲ .

۳۱- مسالك و ممالك اصطخری ص ۱۶۶ - ۱۲۷ و صورة الارض ابن حوقل

ص ۱۲۰-۱۲۱ و احسن التقاسیم مقدسی ص ۳۸۵ - ۳۹۱ .

آن دژ محکمی برپا میباشد که «رافع بن هرثمه» آنرا بنا نموده و اکنون ویران شده است»<sup>۲۲</sup> نگارنده معتقد است که ابودلف دچار اشتباه شده چون اوصافی را که درباره این شهر و قلعت آن بیان کرده تطبیق بر شهری میکند که مهدی عباسی در ری بنا نمود و چون محل ری در اواخر قرن چهارم تغییر کرده است این شهر با بارویش رو بویرائی رفته است و شهر جدید در این زمان در دامنه کوهی بنام طبرک «نزدیک چشمه علی امروزی» واقع بوده است. ری در این زمان باروی مستحکمی داشته و ابن حوقل پنج دروازه آنرا چنین نام برده است:، دروازه باطاق در جنوب باختری دروازه پلیسان در شمال باختری، دروازه کوهک در شمال خاوری، دروازه هشام در سمت خاور و بالاخره دروازه سین در سمت جنوب که بدروازه قم معروف بوده است<sup>۲۳</sup> مقدسی هم بدو ساختمان مهم ری در قرن چهارم اشاره کرده میگوید: یکی دارالبطیخ «خریزه خانه» اسمی است که معمولا بی بازار میوه فروشان شهر داده میشد، دیگری دارالکتب یعنی کتابخانه که زیر محله روزه<sup>۲۴</sup> در کاروانسرائی واقع بوده است.<sup>۲۵</sup>

ری و ناحیت آن از قرن چهارم ببعده از حیثه قدرت خلفای پیرون رفت و تحت تسلط شاهان آل بویه قرار گرفت و از این زمان ری را جزء دیلمان محسوب میداشتند.<sup>۲۶</sup>

۲۲- سفرنامه ابودلف ص ۷۲ - ۷۶ .

۲۳- صورة الارض ص ۲۶۵ .

۲۴- نام محلی در شهر ری و ضمنا نامه ناحیتی از ری بوده است .

۲۵- احسن التقاسیم ص ۳۹۰ - ۳۹۱ .

۲۶- مسالك وممالك اصطخری ص ۱۶۲، صورة الارض ابن حوقل ص ۱۱۸

و تقویم البلدان ابی الفداء ص ۴۸۹



ری در قرن پنجم دارای دو بخش مجزا از هم بوده، که بخش نخستین آن که ری کهنه یا باستانی بوده در جنوب چشمه علی میان باروی عظیمی که بروزگاران پیش از اسلام احداث شده بود، و بان «ری برین» یا «ری علیا» می‌گفتند و بخش دوم «ری جدید» بود که در جنوب شرقی بخش نخستین و جنوب کوه بی‌بی شهر بانو پی افکنده شده بود که بان «ری زیرین» یا «ری سفلی» می‌گفتند.<sup>۳۷</sup>

یاقوت که در اوایل قرن هفتم و پیش از حمله مغول ری را دیده از دو بخش مهم ری یاد کرده ولی شرحی را که در مورد شهر و بناهای آن می‌دهد روشن و واضح نیست.<sup>۳۸</sup> ری در سال ۶۱۷ هـ بدست مغول غارت و ویران گردید و بنا بگفته یاقوت فقط باروی شهر از خرابی نجات یافت ولی غالب ابنیة آن با خاک یکسان شد.<sup>۳۹</sup>

غازانخان مغول برای اینکه ری پیش از آن بویرانی دچار نشود بقول حمدالله مستوفی «دروانك عمارتی افزود و جمعی را ساکن گردانید، اما ری آباد نشد زیرا اهالی آن به دو محل ورامین و طهران که نزدیک ری بود، و مخصوصا به ورامین که هوایش از ری بهتر بود، نقل مکان کرده بودند.»<sup>۴۰</sup>

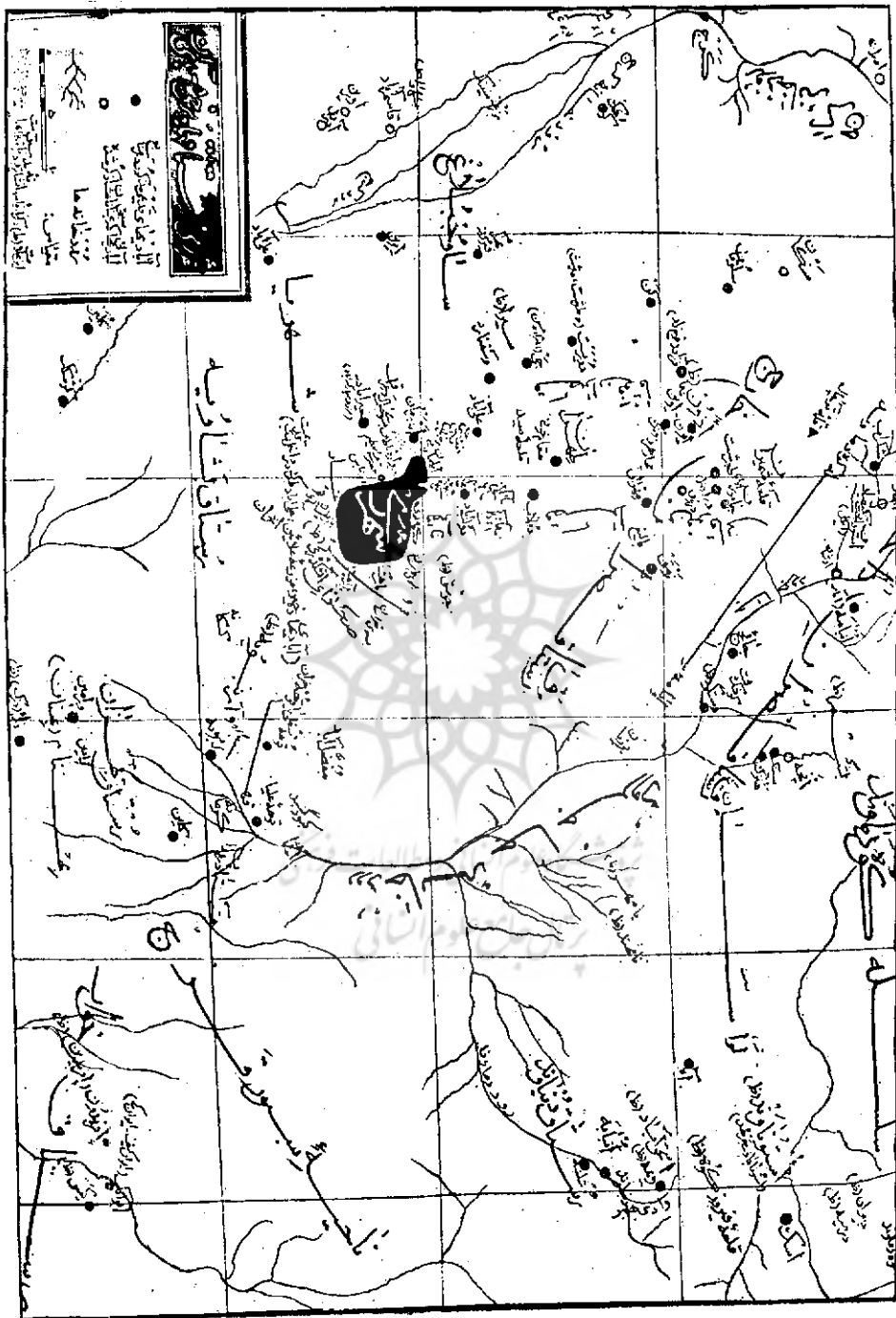
منطقه ری بعد از حمله مغول تقسیمات دیگری پیدا نمود و بچهار ناحیت بزرگ تقسیم شد. (نقشه ۱) حمدالله مستوفی در قرن هشتم به این تقسیمات اشاره کرده میگوید: «اول ناحیت بهنام و درو شصت پاره دیه است ورامین و خاوه از معظم قرای آن ناحیت است. دوم ناحیت سبورقرج و درو نود پاره دیه است قوهه، وشندر و ایوانکیف از معظم قرای آنجاست سوم ناحیت فشا پویه است و

۳۷- رك به ری باستان ج ۱ ص ۱۶۷

۳۸- رك به معجم البلدان ج ۴ ص ۳۵۵ تا ۳۶۰ .

۳۹- همان کتاب - همان صفحات .

۴۰- لسترنج ص ۲۳۳ .



درو سی پارهٔ دیه است کوشک علیاباد و کیلین و جرم و قوچ آغاز معظم قرای آنجاست، چهارم ناحیت غارست و دروچهل پاره دیه است. طهران و اما مزاده حسن که به جیان مشهورست و فیروز بهرام و دولت آباد از معظم قرای آن ناحیت است».<sup>۴۱</sup>

تقسیمات جدید ری در دوره‌های بعد بهمین منوال باقی ماند ولی شهر و کرسی این منطقه بطور کلی ویران بوده است چنانکه کلاوینخو سیاح معروف دورهٔ تیموری که این خرابه‌ها را دیده میگوید: «بناهای شهری عظیم را دیدم که متروک مانده و ویران گشته بود، اما بسیاری از برجهای آن هنوز هم پایرجا بوده و خرابه‌های چند مسجد را دیدم، این آثار همان شهرری است که در گذشته بزرگترین شهر آن منطقه بوده اما اکنون این شهر ویران و خسالی از سکنه میباشد».<sup>۴۲</sup>

شهرری در دوره صفویان نیز بهمین حال خراب باقی بود، و مؤلف ری باستان بنقل از کتاب زینت المجانس میگوید: شهرری اکنون خرابست و از زمان قتل عام مغول تا این زمان ویران مانده و درو تغییری حاصل نشده است.<sup>۴۳</sup>

شاردن سیاح معروف که بعهد صفویان ری را دیده است میگوید: آخرین خرابی این شهر در نتیجه جنگهای داخلی، در دوره اسلامی و حملهٔ مغول و تاتار به عراق عجم وقوع یافت.<sup>۴۴</sup>

حسین کریمان اظهار میدارد که سر ربرت کرپرتر انگلیسی که در دوره قاجار خرابه‌های این شهر را دیده میگوید: « آخرین حادثه‌ای که سرنوشت این شهر را تعیین کرده نتیجه جاه طلبی و

۴۱- نزهة القلوب ص ۵۷ .

۴۲- سفرنامه کلاوینخو ص ۱۷۶

۴۳- ری باستان ج ۲ ص ۴۲۶ .

۴۴- سیاحتنامه شاردن ج ۳ ص ۵۶ .

خونخواری است، که از مشخصات برجسته حکومت نشینان بلافصل چنگیزخان است. و پیش از آنکه دوقرن از غارتگری و ویران ساختن حصارهای این شهرسپری گردید، نام این شهر چنان از خاطره ها فراموش شد که دیگر اسمی از آن بعنوان اقامتگاه بشری باقی نماند. ۴۵

بالاخره ری جدید. دهی بوده است که آستانه حضرت عبدالعظیم در آنجا قرار داشت و در ایام سلطنت، خاندان جلیل پهلوی بتدریج وسعت و آبادانی بیشتر پیدا کرد. و بصورت شهری کوچک اما زیبا با تأسیسات مختلف درآمد، و از نوام «شهری» بخود گرفت و بر تعداد جمعیت آن بتدریج افزوده شده، و اکنون آن پهنه باضافه دهستان غار بصورت شهرستان درآمد است.

در باب محل ری قدیم، عقاید مختلفی از طرف مورخین اظهار شده است. اعتماد السلطنه گوید: «بزعم بعضی از فضلا» «راگز» یا «ری» قلعه ایرج است که نزدیک شهر ورامین می باشد اما ظن قریب بییقین شهرری همان حدود اراضی جنوب شرقی دارالخلافه تهران است. ۴۶ راولنسن نیز محل ری را در ورامین جستجو کرده است. ۴۷

مؤلف ری باستان از قول مرحوم دکتر مهدی بهرامی میگوید: «روی همرفته محل واقعی آن «ری» معلوم نیست. بفرض اینکه گنبد شهنشاه فخرالدوله رادر حدود کوه چشمه علی بدانیم محل تقریبی شهر در حدود کوه مزبور، متوجه بسمت شمال قرار می گیرد. ۴۸

۴۵- ری باستان ج ۲ ص ۴۲۸.

۴۶- نقل از کتاب در التبیان ج ۲ ص ۵۴-۵۵.

۴۷- رك به دائرة المعارف اسلامی انگلیسی چاپ قدیم ج ۳ ص ۱۱۰۶ و

بازبان فرانسه ج ۳ ص ۱۱۸۳.

۴۸- ری باستان ج ۱ ص ۲۹.